

بررسی نظم در سوره‌های قرآن:

کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین

احمد زارع زردینی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۱

تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

چکیده:

نظم (سازمان‌دهی/ترتیب/چینش) آیات در قرآن کریم با رویکردها، مدل‌ها و روش‌های گوناگون بررسی شده است. در این بررسی‌ها نظم، بیشتر به چینش الفاظ در یک آیه توجه دارد و برای پاسخ به این پرسش است که چرا این چینش واژگان در آیه، بهترین چینش است و طبیعتی اعجازگون دارد. هم‌چنین گاه به چرایی چینش یک آیه پس از آیه‌ای دیگر، پرداخته شده است. نوشتار حاضر الگویی نوین را به منظور تحول مطالعه نظم قرآن پیشنهاد می‌کند. این الگو مستلزم تحول در سه ضلع مطالعه نظم در قرآن است. ابتدا به تحول در «سطح مطالعه نظم» پرداخته و بر این باور است که باید سطح مطالعه نظم در قرآن را از «محوریت آیات» به «محوریت سوره‌ها» ارتقا داد. در گام بعد به تحول در مطالعه «نوع مطالعه نظم» پرداخته و کوشش نموده تا مدلی از «نظم پیچیده» را به جای یک نوع «نظم ساده» پیشنهاد نماید؛ و سومین تحول در «روش مطالعه نظم» است و در آن واحدهای لفظی و محتوایی را که پیش از این بر مبنای «واژگان و آیه» بوده را به سطح «پاره متن» ارتقا دهد. در این راستا، به جهت تبیین کارآمدی الگوی پیشنهادی در مطالعه نظم در قرآن، نظم در سوره یاسین با این الگو نمایانده شده است.

کلیدواژه‌ها: سوره، نظم قرآن، محور چینشی، نظم در بی‌نظمی، سطوح نظم قرآن، رکوعات، سوره یاسین.

مقدمه

۱. چیستی نظم و مقصود از نظم قرآن

یکی از دغدغه‌های پژوهشگران حوزه علوم قرآن از گذشته‌های دور تاکنون مطالعه «نظم قرآن» است. این دسته از پژوهش‌های قرآنی به مطالعه نوع چینش یا ترتیب واژه‌ها در آیات قرآن می‌پردازد. به عبارت دیگر یک آیه از قرآن، از حیث نظم و زیبایی‌های چینشی و اعجازگون آن بررسی می‌شود. چرا این واژه قبل از آن واژه و چرا این واژه به جای آن واژه در این آیه قرار گرفته است. این الگوی مطالعه نظم قرآن از زمان جرجانی تاکنون در میان بیشتر قرآن‌پژوهانی که علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه بوده‌اند، وجود داشته است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان مطالعه «نظم قرآن» را متحول نمود به گونه‌ای که بتواند بیش از پیش زیبایی‌های چینشی قرآن کریم را بنمایاند؟ چنین تحولی مستلزم تحول در چه موضوعات دیگری است؟

در پاسخ به این سؤالات می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که با تحول «سطح» مطالعه نظم قرآن از «آیه‌محوری» به «سوره‌محوری» و همچنین تحول «مدل»‌های مطالعه نظم قرآن از «مدل‌های ساده» به «مدل‌های پیچیده» و همچنین تحول «روش»‌های مطالعه نظم یعنی از روش‌های لفظی و معنایی مبتنی بر «واژگان و عبارت» به سمت روش‌های مبتنی بر «پاره‌متن‌ها» در سوره می‌توان مطالعه نظم قرآن را متحول نمود. نوشتار حاضر، پس از مروری اجمالی بر مطالعه نظم قرآن به تبیین مدل پیشنهادی در تحول مطالعه نظم قرآن پرداخته و در پایان نظم و یا اصول حاکم بر چینش آیات در سوره یاسین را با این نگاه بررسی نموده است.

این واژه در معنای اصطلاحی نیز به کاررفته و عبارت است از تألیف کلمات و جملاتی که معانی آن مرتب و دلالت آن متناسب بود بر حسب آنچه عقل اقتضا کند. در تعریف دیگری آمده است: «وهو التألیف فی الکلام لیصبح حسنا مقبولا» (بقادر، ۲۰۱۱: ۳).^۱ این اصطلاح (نظم) پیش از تکوین خود از نام‌هایی همچون «سبک» و «تلاحم» نیز برخوردار بوده است (بقادر، ۲۰۱۱: ۳). از آنچه در معنای اصطلاحی گذشت می‌توان به این نکته اشاره نمود که مطالعه نظم به نحوه تألیف یا سازمان‌دهی یک کلام (متن) می‌پردازد.

مروری بر مطالعات نظم قرآن

نظم قرآن تاکنون به دو مفهوم استفاده شده است. اولین آن نظم‌هایی است که به مطالعه عناصر قرآن می‌پردازد؛

۱. برای آشنایی با تاریخچه پیدایش نظریه نظم در ادبیات عرب.

(بقادر، ۲۰۱۱: ۵، نوروزی، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۴۲).

و گاهی به آن نظم عددی می‌گویند؛ یعنی نظم و هماهنگی در تعداد واژه‌های به‌کاررفته در قرآن است.^۱

۲. افرادی که با این دید به دنبال اثبات نظم در قرآن رفته و سراز نظم عددی و یا اعجاز عددی قرآن درآوردند، عبارت‌اند از:

مهندس مهدی بازرگان: ایشان در کتاب *سیر تحول قرآن*، طول متوسط آیات را بر اساس نزول بررسی کرده است. سال نزول محور افقی و طول متوسط آیات، محور عمودی است. ایشان می‌گویند بین سال نزول و طول متوسط آیات ارتباط وجود دارد. به این معنا که در سال‌های اول آیات کوچکتر است و بعداً بزرگ‌تر می‌شود؛ عبدالعلی بازرگان چهار جلد کتاب *نظم قرآن* دارد. ایشان تحقیقات رشاد خلیفه را که بعداً اشاره می‌شود تایید کرده است؛ اما کوشش اصلی او بر روی نظریه علامه طباطبایی درباره حروف مقطعه قرآن است. علامه طباطبایی می‌گوید: حروف مقطعه کلید فهم معنای قرآن هستند؛ مثلاً اگر اول سوره بقره «الم» است این با معنای آن سوره در ارتباط است. عبدالعلی بازرگان این تئوری را تحقیق کرده است او می‌گوید «حم» نشانه دو صفت حکیم و علیم است و سوره‌هایی که با این حروف شروع شده است به این دو صفت تأکید دارد.

رشاد خلیفه؛ یک متفکر مصری است که پدرش از اقطاب فرقه شاذلیه است. رشاد خلیفه زمانی تحقیقات خود را شروع کرد که کامپیوتر تازه آمده بود و حروف قرآن را محاسبه کرد. ادعای ایشان این است که درصد فراوانی حروف مقطعه در سوره‌هایی که با آن حروف مقطعه شروع شده‌اند از بقیه سوره‌ها بیشتر است؛ مثلاً در سوره نون حرف نون فراوانی نسبی است یا حرف قاف در سوره قاف فراوانی نسبی دارد.

عبدالرزاق نوفل: این فرد مصری است و در کتاب خودش مدعی است که نظم‌هایی در قرآن وجود دارد. کلمه یوم به‌صورت مفرد دقیقاً ۳۶۵ بار به‌کار رفته است. شهر به معنای ماه دقیقاً ۱۲، دنیا و آخرت ۱۱۵، شیطان و ملائکه ۸۵، تابستان و زمستان ۱، گرما و سرما ۴، اجر و فعل ۱۰۸ بار به‌کار رفته است.

کوروش جم در مقاله‌ای که در *مجله بنیات* چاپ شده است، ادعا می‌کند که اگر تعداد سوره‌های فرد را با تعداد آیات سوره‌های فرد جمع کنیم مساوی می‌شود با عدد سوره‌های زوج باضافه تعداد آیات سوره‌های زوج. نتیجه آن این است که آیات

اما نگاه دیگر در مطالعه نظم قرآن به مطالعه محور چینشی کلام می‌پردازد؛ یعنی این واژه‌ها در آیات قرآن چگونه چیده شده‌اند و آیات در سوره بر چه مبنایی سامان‌یافته‌اند. نظم قرآن به این معنا را می‌توان در دو سطح نشان داد. ابتدا و اولین گام که بیشترین مباحث در آن شکل‌گرفته است. بر مبنای تحلیل و بررسی آیات شکل‌گرفته است. برای مثال یک آیه از قرآن را انتخاب و درباره نظم این آیه بررسی می‌شده است چرا این واژه بهترین انتخاب است و چرا این ترتیب در آیه بهترین نوع چینش واژگان در آیه است. در موارد محدودتری برخی مفهوم نظم را قدری گسترده‌تر بررسی نموده و به ارتباط دو آیه در کنار هم پرداخته‌اند. چرا این آیه در کنار این آیه قرارگرفته و چگونه این سوره به سوره بعدی متصل می‌شود.^۳ مقصود نویسنده از نظم در این نوشتار همین معنای اخیر است؛ یعنی مطالعه اصول حاکم بر چینش آیات در سوره‌های قرآن.

۲. کاربست نظری مقاله: تبیین مدل پیشنهادی در مطالعه نظم همان‌گونه که پیش‌ازاین گذشت، هدف این مقاله ارائه یک مدل در مطالعه نظم قرآن است. بر این اساس در این بخش به معرفی اصول این مدل پرداخته می‌شود و کاربست نظری این مدل تبیین می‌گردد و در بخش بعد به کاربست عملی آن در مطالعه سوره یاسین می‌پردازد.

قرآن باید به همین صورتی باشد که در قرآن موجود وجود دارد (حقیقت، ۱۳۸۹: سراسر اثر).

۳. برای آشنایی اجمالی با سیر این مباحث در میان مفسرین و محققین علوم قرآنی: بقادر، ۲۰۱۱: سراسر اثر؛ حری، ۱۳۹۰: سراسر اثر؛ ذوقی ۱۳۹۲: ۱۵۱-۱۵۷، ۱۲-۵، 2020: El-Tahry.

تحول از نظم آیه محور به سوره محور

از تحولات قرن اخیر در قرآن پژوهی و تفسیر، حرکت از نوعی جزء گرایی و تفسیر بر مبنای آیات قرآن به سمت کل گرایی و تفسیر سوره محور است. این حرکتی که در عرصه تفسیر شروع شده و توسط افرادی همچون علامه طباطبایی در ایران، سید قطب در مصر، اصلاحی و فراهی در شبه قاره هند و... کم کم جا افتاد و مسیر خود را ادامه داد؛ به گونه ای که بخشی از مطالعات قرآنی امروز در ایران و سایر کشورها بر مبنای همین حرکتها در حال شکل گیری است. آنچه تاکنون در این زمینه انجام گرفته است تأکید همه این افراد و گروهها بر اینکه هر سوره، یک محور موضوعی دارد که هریک به تعبیری از آن یاد می کنند. عمود سوره، غرض سوره، هدف سوره که نشان دهنده این است که کل سوره دارای یک هدف است؛ اما نکته دیگری که در اینجا به نظر مهم می رسد کوشش در جهت مطالعه کشف و ارائه نظم و نوع چینش آیات در سوره و احتمالاً قوانین حاکم بر آن است. در این مباحث، ابتدا باید به دنبال اثبات وجود مینا در چینش آیات در سورهها بود و پس از آن روش هایی برای مطالعه آن در نظر گرفت و پس از آن به مدل های مربوط در این زمینه دست یافت. پس اولین گام در ایجاد یک تحول در مطالعات نظم قرآن ارتقاء واحد مطالعه نظم از آیات به سورهها است.^۴

شود ارتقاء مدل مطالعه نظم است. از آنجا که پیش از این واحد مطالعه نظم آیات قرآن بود با مدنظر قرار دادن یک مدل نظم ساده می توانستیم به کشف نوع و قوانین و اسرار و عجایب چینش واژگان در سورهها دست یابیم؛ اما این مدل، زمانی که واحد مطالعه نظم ارتقاء یابد کارایی لازم را نداشته و باید ابزارها نیز به همان نسبت ارتقا یابند. این مدل های مطالعه نظم را می توان در مطالعات مربوط به «نظم» به صورت کلی خارج از اینکه ادبیات باشد و یا کیهان شناسی دنبال نمود و هم می توان در مباحث متن پژوهی معاصر از آن سراغ گرفت. در مطالعات نظم با ارائه نظریات نظم غایی و یا تئوری آشوب این تحول ایجاد شده است و امروزه این مسأله در بسیاری از علوم و مباحث تأثیر بسیار شگرفی در نوع نگاه به پدیده های عالم هستی در اختیار بشریت قرار داده و در این مقاله نیز از آن استفاده خواهد شد؛ به تعبیر دیگر جایگزین کردن خوانش های سه بعدی (فضایی) به جای خوانش های خطی است. به عبارت دیگر تاکنون که با روش آیه محور حرکت می کردیم برای شناخت چیدمان واژگان در آیات از نظمی ساده شروع می شد و گاهی به اندکی پیچیدگی می رسید؛ اما در مطالعات جدید نظمها از پیچیده شروع شده و گاهی به مدل های بسیار پیچیده می رسند.

تحول از نظم ساده به پیچیده

دومین تحولی که می بایست در مطالعه نظم قرآن ایجاد

نظم پیچیده اصطلاحی است که برای اشاره به تئوری آشوب و یا مدل نظم در بی نظمی به کار رفته است. نظریه «نظم غایی» یا «نظم در بی نظمی» به ما ابزار حل مسائل پیچیده را می دهد. به عبارت دیگر هر بی نظمی، نظمی نهفته است به این معنا که نباید نظم را تنها در یک مقیاس جستجو کرد. پدیده ای که در

۴. برای آشنایی بیشتر با این تحول در مباحث تفسیری: میر،

معناست که با بال زدن یک پروانه در یک کشور آفریقایی ممکن است طوفانی در قاره آمریکا رخ دهد؛ که آن را اثر پروانه‌ای نامیده‌اند.

۲. سازگاری پویا (Dynamic Adaptation): دستگاه‌های بی‌نظم در ارتباط با محیطشان مانند موجودات زنده عمل می‌کنند و نوعی تطابق و سازگاری پویا بین خود و محیط پیرامونشان ایجاد می‌کنند

۳. جاذبه‌های غریب (strange Attractors): این جاذبه‌ها نوعی بی‌نظمی در خود دارند که اگر با دقت به آنها نگریده شود و نوع دیدگاه‌ها نسبت به آنها عوض شود، به نظم عمیق آنها پی برده می‌شود. به‌طور مثال تصاویر هندسی برگرفته شده از قوم اینکا در صحرای پرو، حاکی آن است که اگر از نزدیک به آنها نگاه شود، بی‌نظمی‌ها را نشان می‌دهند؛ اما اگر از دور دست به آنها نگریده شود، تصاویر معناداری را در ذهن متبادر می‌سازد. این نوع جاذبه‌ها حاوی مطالب مهمی هستند و آن این است که در نظر اول نباید محیط پیرامون خود را آشوبناک توصیف نمود؛ بلکه با تغییر دیدگاه خود می‌توان این آشوب را به یک نظم تبدیل کرد.

۴. خودمانایی (Self-Similarity): در تئوری آشوب، نوعی شباهت بین اجزا و کل قابل تشخیص است. بدین ترتیب که هر جزئی از الگو همانند و متشابه کل است. این ویژگی از نظریه بی‌نظمی؛ بیشتر در فرکتال‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تئوری آشوب و معادلات عملیات آن نوعی شباهت بین اجزا و کل قابل تشخیص است. بدین گونه که هر جزئی از سیستم دارای ویژگی کل بوده و مشابه آن است.

مقیاس محلی، کاملاً تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد چه بسا در مقیاس بزرگ‌تر، کاملاً پایا و قابل پیش‌بینی است.

در چند دهه اخیر؛ انقلابی در شیوه درک و تبیین پدیده‌ها؛ به‌وسیله اندیشمندانی صورت گرفته است که در سالیان گذشته؛ تبیین‌های خود را در قالب‌های منظم و مشخص ارائه می‌دادند و جهان را مجموعه‌ای از دستگاه‌هایی تصور می‌کردند که مطابق با قوانین جبری طبیعت به طریقی مشخص و قابل پیش‌بینی در حرکت است. از این رو؛ معتقد بودند معلول‌ها به صورت خطی؛ برآیند علل خاصی هستند. اکنون آنها بر نقش خلاقانه بی‌نظمی و آشوب تأکید کرده و جهان را مجموعه‌ای از دستگاه‌هایی می‌دانند که به شیوه‌هایی خودسازمانده عمل می‌نمایند و پیامدهای این شیوه زندگی وجود حالات غیرقابل پیش‌بینی و تصادفی است؛ اما در این شرایط؛ قوانین جبری طبیعی کماکان حاکمیت دارند و پی‌برده شده که دستگاه‌ها به شیوه‌ای دورانی عمل می‌کنند که در آن بی‌نظمی منجر به نظم و نظم منجر به بی‌نظمی می‌شود. امروزه دیگر تصور ساده از نحوه فعالیت جهان جای خود را به تصویری پیچیده و پارادوکس‌گونه داده است. این علم جدید؛ تئوری پیچیدگی نامیده می‌شود و جنبه‌ای از این علم که توجه همگان را به خود جلب کرده است؛ تئوری آشوب یا نظم در بی‌نظمی نامیده می‌شود.

ویژگی‌های تئوری آشوب

برای تبیین بهتر نظریه تئوری آشوب به چهار ویژگی دستگاه‌های پیچیده اشاره نموده‌اند.

۱. اثر پروانه‌ای (Butterfly Effect): این ویژگی بدین

در این جا می‌توان به مصادیقی از این تئوری در حوزه علوم انسانی اشاره کرد. بسیاری از وقایع تاریخی که در مقیاس ۲۰ ساله ممکن است کاملاً تصادفی و بی‌نظم به نظر برسند، ممکن است که در مقیاس ۲۰۰ ساله، ۲۰۰۰ ساله یا ۲۰۰۰۰ ساله دارای دوره تناوب مشخص و یا نوعی نظم در علت‌ها باشند. (مشیری، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۳)

تحول در تعیین واحدهای لفظی و معنایی

پیش از این هرگاه درباره قرآن و نظم آن مطلبی نگاشته شده بر مبنای توصیف و تحلیل لفظ و معنی بوده است. بدین معنا که واحد لفظ و معنی یک واژه و یا یک آیه انتخاب شده و مورد بررسی قرار می‌گرفت در این مقاله پیشنهاد می‌شود مطالعه نظم از واژه و عبارت به یک پاره متن ارتقا یابد. به عبارت بهتر در این روش در تحلیل لفظی یا معنایی به سراغ دسته‌ای از آیات می‌رویم و بدون برهم زدن چینش، آیات را انتخاب نموده و به مطالعه بر روی آنها می‌پردازیم. البته این بدین معنا نیست که این انتخاب بخش‌ها چه بر مبنای الفاظ و چه بر مبنای محتوی بدون بررسی باشد؛ بلکه باید قوانین، اصول و ضوابطی کارآمد برای این بخش‌ها در نظر گرفته شود تا براساس آنها سوره به چند بخش تقسیم شده و سپس بررسی شود.

برای تعیین این واحدها یا بخش‌ها در سوره‌های قرآن به دو روش کلی می‌توان اقدام نمود، اولین روش، تعیین واحدهای بررسی سوره بر مبنای «لفظ» است، یعنی با توجه به نحوه کارکرد برخی الفاظ (شامل حروف، واژگان و جملات) در یک سوره و نظمی که احیاناً در پس چنین کاربردی نهفته است،

تقسیم‌بندی‌ها را انجام داد. بهترین نمونه از این دست مطالعه سوره و تقسیم‌بندی سوره را می‌توان در مقاله «سوره مائده یا دست‌های باز» مشاهده نمود. (رابینسون، ۱۳۹۱: سراسر اثر) که نویسنده براساس نوع و نحوه کاربرد الفاظ در سوره مائده آن را به ۱۱ بخش تقسیم نموده است؛ و در یک مقاله بسیار خواندنی، نظم سوره مائده را به بهترین وجهی به تصویر کشیده است. نویسنده برای این کار به مطالعه سوره مائده پرداخته و کوشش نموده تا اصولی را برای تشخیص بهتر این نظم لفظی نشان دهد که در نوع خود بی‌نظیر است.^۵ اما دومین روش بسیار مهم و پرکاربرد، تعیین واحدها و بخش‌های یک سوره بر مبنای موضوع و محتوی است. این روشی است که بیشتر مفسرین و محققان علوم قرآنی از آن بهره می‌برند و قبل از تفسیر یک سوره ابتدا بخشی از آن را که دارای وحدت موضوعی است، جدا نموده و به بررسی و تفسیر آنها می‌پردازد. برای تعیین واحدهای موضوعی در یک سوره از دو طریق می‌توان اقدام نمود، اولین روش به صورت «اجتهادی» است در این روش مفسر و محقق قرآنی با توجه به تغییرات موضوعی در یک سوره، به تشخیص خود به تعیین این واحدها می‌پردازد. برای مثال علامه طباطبائی جهت ارائه سیاق لازم برای تفسیر آیات، بخش‌هایی از آیات را که دارای وحدت موضوعی هستند انتخاب نموده و به تفسیر آنها می‌پردازد؛ برای نمونه وی سوره یس را در پنج بخش

۵. برای آشنایی با کوشش‌های دیگران در ارائه روش‌هایی در مطالعه پاره متن‌ها در سوره‌های قرآن نک: سلوی، ۱۳۹۲: سراسر اثر؛ El-Tahry, 2010: 200-56.

سوره یس توجه به موضوع «رکوعات» است. رکوعات که همان واحدهای موضوعی درون سوره‌های قرآن است با علامت «ع» در مصاحف قرآنی تعیین شده است و از پیشینه تاریخی کهن برخوردار است به گونه‌ای که برخی از پژوهشگران قدمت آن را از عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌دانند؛ اما امروزه در برخی از چاپ‌های قرآن در قرن اخیر به علت عدم توجه به اهمیت این تقسیم‌بندی این علامت حذف شده است. این در حالی است که قدماً معمولاً برای این مسأله اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و علامت رکوع در تمام نسخه‌های قرآن تا قبل از قرن اخیر ثبت می‌شده است. مستند اصلی این مسأله غالب مصحف‌های نگاشته شده تا قبل از قرن اخیر مربوط به بلاد مختلف اسلامی است که بدون استثنا علامت «ع» را در لابه‌لای آیات خود ثبت و ضبط کرده‌اند (برای آشنایی با بحث رکوعات قرآنی: لسانی فشارکی، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۵). درباره ارزش و اهمیت رکوعات قرآنی، تاکنون در سه زمینه بررسی‌هایی انجام گرفته است از جمله نقش آن در حسن شروع و حسن ختام قرائت مجلسی قرآن (لسانی فشارکی، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۱)، دوم؛ آسان‌سازی و تسهیل آموزش و تعلیم و تحفیظ قرآن (رجبی قدسی، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۷۳) و همچنین اهمیتی که توجه به رکوعات در تفسیر و فهم قرآن بر مبنای تهیه و تدارک سیاق آیات قرآنی دارد (مرادی زنجانی، ۱۳۸۵: ۵-۵۸). در این نوشتار به نقشی که رکوعات قرآنی در شناخت و ترسیم نظم و ساختار سوره‌های قرآن دارد پرداخته می‌شود. آنچه در این مقاله ملاک و معیار تعیین واحدهای موضوعی در سوره قرار گرفته همان رکوعات است.

بررسی و تفسیر نموده است. آیات ۱ تا ۱۲، آیات ۱۳ تا ۳۲ و آیات ۳۳ تا ۴۷ و آیات ۴۸ تا ۶۵ و آیات ۶۶ تا ۸۳. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/ ۶۱-۱۱۹). سید قطب نیز از همین روش استفاده نموده، وی که برای این واحدهای موضوعی از اصطلاح «شوط» استفاده می‌کند، سوره یاسین را به سه «شوط» تقسیم نموده و آن را تفسیر کرده است: شوط اول؛ آیات ۱ تا ۲۹؛ شوط دوم آیات ۳۰ تا ۶۸ و شوط سوم؛ آیات ۶۹ تا ۸۳ (قطب، ۱۴۱۲: ۵/ ۲۹۵۵-۲۹۷۴).

برخی از این روش در مطالعه نظم در سوره‌های قرآن کریم استفاده نموده‌اند که به نظر می‌رسد امروزه تبدیل به یک جریان در گوشه و کنار جهان شده و به تبیین نظم قرآن می‌پردازد. جریانی که از آن در کتب و مقالات و نگاشته‌های مختلف فارسی با عناوینی همچون «نظم متقارن»، «بلاغت سامی» و «تحلیل بلاغی» و... از آن یاد می‌شود. در این سبک از مطالعه، مبتنی بر اصل بنیادین تقارن (symmetry) به تبیین تألیف متن و تعیین ساختار آن می‌پردازند؛ و این تقارن‌ها هستند که ساختمان متن را می‌سازند. سه نوع تألیف و یا سه نوع تقارن وجود دارد: ۱. توازی یا ساختار متوازی (parallelism): وقتی واحدهای متن به همان ترتیب نخست باز ظهور یابند (ABC/ ABC)، ۲. ترکیب دایره‌ای یا حلقوی (ring structure) concentric structure ((composition): وقتی واحدهای متن به صورت دایره‌های متحدالمرکز مرتب شوند. ۳. نظم آینه‌ای و یا معکوس (chiasmus): وقتی که عنصر مرکزی وجود ندارد. ABC/CBA (شاکر، ۱۳۹۴: ۱۲).

دومین روش در تعیین واحدهای موضوعی

۳. کاربست عملی و اجرایی مقاله: نظم در سوره یس پس از اینکه کاربست نظری مقاله تدوین گردید به بررسی سوره یاسین با این مدل پرداخته می‌شود. در این کار واحد بررسی نظم سوره انتخاب شده و مقاله به دنبال کشف چگونگی چینش الفاظ و مفاهیم در این سوره است. از طرف دیگر، نشان داده خواهد شد که نظم حاکم بر نوع چینش در این سوره، نظمی پیچیده است که دارای خاصیت خودمانایی است. از طرف دیگر به تعیین واحدهای موضوعی در این سوره براساس رکوعات قرآنی پرداخته شده است.

تعیین واحدهای موضوعی (رکوعات) سوره یس

رکوع اول: این رکوع آیات ۱ تا ۱۲ را دربر دارد.

موضوعاتی که در این رکوع مطرح شده‌اند را به ترتیب می‌توان چنین برشمرد؛ در آغاز اشاره‌ای به قرآن حکیم می‌شود و اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صاحب این قرآن، جزء مرسلین است و هدف از این ارسال نیز انذار مردم است؛ و در ادامه برخورد عموم مردم با این رسول و سایر رسولان الهی که غالباً غفلت از چنین اندازهایی بوده است می‌آید (۱۰-۱). سپس به بستر لازم جهت بهره‌گیری از این انذار رسولان که همان خشیت از رحمان خداوند (رحمان) است اشاره شده است (آیه ۱۱). خداوند در پایان این بخش اشاره می‌کند علی‌رغم غفلت شما، هرچه که انجام می‌دهید ثبت و ضبط شده و پس از مردن نیز شما را مجدداً زنده می‌کنیم تا پاسخگوی این رفتار باشید (آیه ۱۲).

۶. شماره آیات مربوط به عدد رکوعات برگرفته از مرادی زنجانی،

۱۳۸۵: ۶۲ است.

رکوع دوم: این رکوع آیات ۱۳ تا ۳۲ را در بر دارد. در آغاز این رکوع به داستان «اصحاب القریه و رسولان الهی» می‌پردازد و اینکه پس از تکذیب دو نفر از رسولان الهی خداوند نفر سومی را برای هدایت آنها فرستاد که او را تکذیب نمودند و پس از آن به گفت‌وگوهایی که بین رسول الهی و اصحاب قریه رخ داده و اینکه این گفت‌وگوها راه به‌جایی نبرده و عاقبت این رسولان تهدید به سنگسار و شکنجه دردناک شده است (۱۳-۱۹). در ادامه این رکوع داستان مؤمنی مطرح می‌شود که از نقطه‌ای دور از شهر می‌آید و سعی دارد تا با این غفلت اهالی شهرش مبارزه کند و از قومش می‌خواهد تا از رسولان الهی تبعیت کنند کسانی که بی‌مزد و منت در جهت هدایت آنها می‌کوشند. وی سپس دلایل ایمان خود را به خداوند بازمی‌گوید. برده بعدی این داستان ورود این مؤمن را به بهشت گزارش می‌کند و در اینجا است که ندایی دیگر از او شنیده می‌شود که ای کاش قوم من نیز می‌دانستند که به پاس ایمان چگونه گرامی داشته شدم (۲۰-۲۵). در پایان این بخش عاقبت این قوم (اصحاب القریه) که با صیحه‌ای آسمانی از بین رفتند گزارش شد و اینکه در روز قیامت نیز باید پاسخگوی این رفتار خودشان باشند آمده است (۲۶-۳۲).

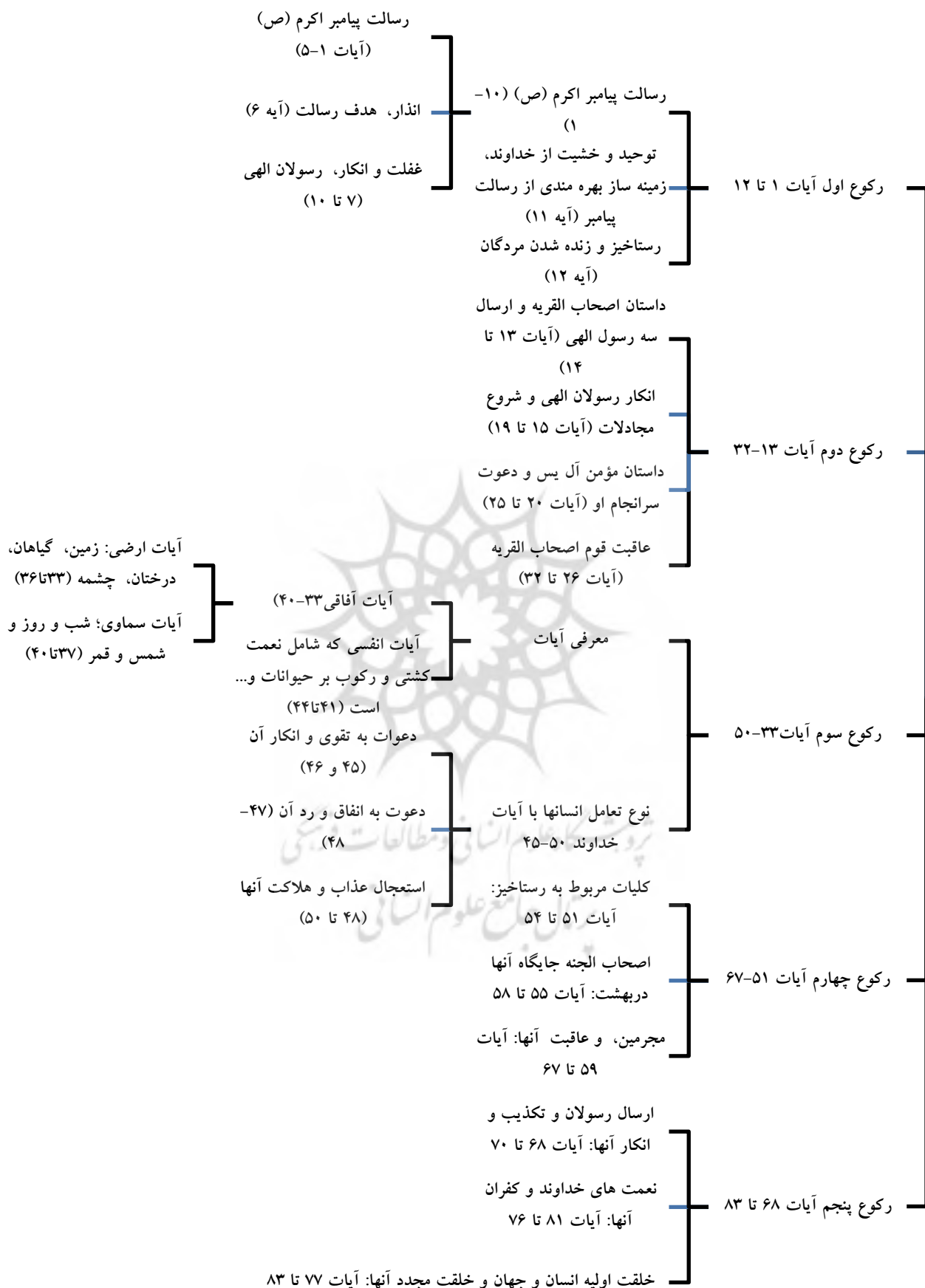
رکوع سوم: این رکوع آیات ۳۳ تا ۵۰ را در بر دارد. این رکوع با معرفی و تبیین آیات خداوند آغاز می‌شود و این آیات را در سه بخش معرفی و بررسی می‌نماید. اولین دسته از این آیات، آیات ارضی هستند و اینکه چگونه زمین مرده زنده می‌شود و در آن چشمه‌هایی جاری می‌شود و درخت می‌روید گیاهان سبز می‌شوند

و در ادامه خداوند را به خاطر خلق ازواج، زمین و... تسبیح نموده است (۳۳-۳۶). دسته دیگری از آیات که در این بخش معرفی می‌شود، آیات سماوی است و در آن به دقت در آیه شب و روز و شمس و قمر و... دعوت می‌کند و اینکه آیات سماوی نیز در یک فلکی در گردش هستند (یسبحون) (۳۷-۴۰). سومین دسته از آیات این بخش، آیاتی است که به نحوی به زندگی روزمره انسان‌ها مربوط می‌شود. نعمت کشتی، نعمت رکوب بر حیوانات و رحمت خداوند که زمینه استفاده آن را فراهم نموده است (۴۱-۴۴). در پایان این رکوع خداوند از انسان‌ها می‌خواهد تا تقوای الهی را رعایت نمایند؛ اما برخورد کفار با این درخواست، تکذیب آیات و استعجال عذاب است و سرانجام با صیحه‌ای آسمانی از بین می‌روند (۴۵-۵۰).

رکوع چهارم: این رکوع آیات ۵۱ تا ۶۷ را در بردارد. این رکوع با نفع در صور و برانگیخته شدن مردگان شروع می‌شود و این کار با یک صیحه‌ای آسمانی انجام می‌گیرد و در پی آن همه در محضر خداوند حاضر می‌شوند و آن روز به کسی ظلم نمی‌شود و ملاک و معیار جزا در آن روز، اعمال انسان‌ها است (۵۱-۵۴). بخش بعدی این رکوع نعمت‌های داده‌شده به اصحاب الجنه را برمی‌شمرد که شامل میوه‌ها، همسران بهشتی و سایه‌سارهای بهشتی و سلام خداوند، است (۵۵-۵۸). در ادامه به موضوع مجرمین و جداسازی آنها از اصحاب الجنه و جرم آنها که همان عبادت شیطان است، می‌پردازد. در آن روز است که عذاب‌های مختلفی همچون ختم بر دهان (مهر نهادن بر دهان‌ها) و طمس عین (پوشیده شدن چشم‌ها) و... روبرو می‌شوند (۵۹ تا ۶۷).

خودمانایی به مثابه نظم سوره یاسین
نظمی عمیق و دقیق در عین بی‌نظمی و پراکندگی ظاهری موضوعات در این سوره بر آن حاکم است. به عبارت دیگر اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد آیات سوره نیز پراکنده و بی‌نظم است، اما بررسی عمیق‌تر این مسأله نشان می‌دهد نظم عمیق و دقیق برجایش موضوعات و واژگان این سوره حاکم است. نوع این نظم، نشانگر یکی از ویژگی‌های دستگاه‌های آشوبناک (نظم در بی‌نظمی) است که به آن خودمانایی گفته می‌شود. نظم که اساس آن بر این است که بر کل یک مجموعه نظم حاکم است که بر اجزای آن مجموعه

نمودار موضوعات سوره یس



شکل ۱. محتوای رکوعات (واحدهای موضوعی) سوره یس

در ادامه از آیات ۲۲ تا ۲۸ از زبان مؤمن آل یس موضوع توحید مطرح می‌گردد و در پایان این رکوع به عذاب دنیوی و اخروی (معاد) این قوم اشاره شده است. آیات ۲۹ تا ۳۲ به عنوان جمع‌بندی برای این بخش است. باید گفت موضوع اصلی این بخش رسالت است اما در آن به ترتیب موضوعات رسالت، توحید و معاد آمده است.

موضوع اصلی رکوع سوم این سوره ارائه آیات خداوند و به تبع آن توحید است، اما این موضوع اصلی که بر تمام این بخش سایه افکنده است در دل خود به‌گونه‌ای سه موضوع اصلی دیگر این سوره را نیز پوشش می‌دهد بدین صورت که در اینجا در آغاز با ذکر آیات تکوینی و این‌که خداوند را به خاطر این آیات تسبیح می‌کند موضوع توحید را مطرح نموده است (آیات ۳۳ تا ۴۴) پس از آن آیات تشریحی که همان رسالت انبیاء است می‌آید (۴۵ تا ۴۷) و در آخرین بخش این رکوع موضوع معاد و قیامت مطرح می‌شود. (آیات ۴۸ تا ۵۰)

موضوع اصلی رکوع چهارم این سوره، معاد و روز رستاخیز و نعمات و عذاب‌های اخروی است؛ اما اگرچه این موضوع اصلی تمام این بخش را به‌گونه‌ای در بر گرفته است، اما باز در دل خود به دو موضوع اصلی دیگر سوره نیز اشاره می‌نماید. در این بخش که با نفخ صور و صیحه آسمانی، رستاخیز آغاز و موضوع معاد مطرح می‌شود بلافاصله در آیه ۵۲ موضوع صحت و درستی رسالت انبیاء را آورده است «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» پس از طرح این موضوع و تکیه‌ی دوباره‌ای که بر مراحل مختلف رستاخیز و نعمات بهشتی‌ها و جهنمی‌ها می‌شود در خطابی که به

نیز حاکم است. به‌گونه‌ای که هریک از اجزای آن مجموعه می‌توانند نماینده کل این مجموعه باشند. برای نشان دادن این نظم در آغاز، الگوی حاکم بر کل سوره معرفی شده و پس از آن این الگو در اجزاء بخش‌های سوره ترسیم می‌گردد.

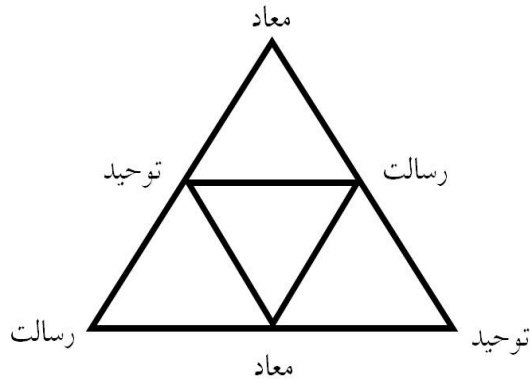
این سوره همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، دارای ۵ واحد موضوعی (رکوع) است و الگوی حاکم بر طرح موضوعات در این سوره «رسالت»، «توحید» و «معاد» می‌باشند که هم بر کل سوره و هم بر بخش‌های آن حکم فرمات. رکوع اول سوره که به‌عنوان چکیده تمام نمای سوره است، به ذکر کلیات مربوط به رسالت، توحید و معاد می‌پردازد. تفصیل مطلب بدین صورت که از آیه ۱۲ به رکوع اول این سوره آیات ۱ تا ۱۰ به موضوع رسالت و به‌صورت ویژه رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد. آیه ۱۱ به موضوع توحید و به‌عبارت‌دیگر خشیت از رحمان به‌عنوان شرط بهره‌مندی از هدایت رسولان معرفی شده است؛ و آیه ۱۲ این رکوع موضوع معاد و حیات پس از مرگ را مطرح می‌نماید.

در ادامه سوره، سه بخش اصلی قرار دارد و این سه موضوع اصلی به‌صورت مفصل توضیح داده می‌شوند. بر این اساس رکوع دوم سوره با محوریت بحث «رسالت» تدوین‌یافته است و این کار را در قالب داستان ارسال رسولان سه‌گانه به‌سوی «اصحاب القریه» انجام داده است. اگرچه محوریت رکوع را در این بخش رسالت بر عهده دارد، باز در ارائه موضوعات این بخش هم‌چنان الگوی اصلی پابرجاست یعنی «رسالت»، «توحید» و «معاد» بدین صورت که آیات ۱۳ تا ۲۱ این رکوع با موضوع رسالت به‌پیش می‌رود.

رسالت (۱۰-۱)	} رکوع اول آیات ۱ تا ۱۲ چکیده	مجرمین روز قیامت می‌شود، اصول توحید مطرح می‌شود (آیات ۶۰ و ۶۱) و پس از آن دوباره به موضوع عذاب جهنمی‌ها پرداخته می‌شود.
توحید (۱۱)		رکوع پنجم این سوره نیز همان‌گونه که پیش‌ازاین گذشت، به‌نوعی خلاصه و نتیجه‌گیری از سوره محسوب می‌شود و هر سه موضوع اصلی که در رکوعات قبل وجود داشت در این بخش نیز وجود داشتند. بدین‌صورت که از آیات ۶۸ تا ۷۰ موضوع رسالت مطرح شده و از آیات ۷۱ تا ۷۷ نیز موضوع توحید را آورده و از آیه ۷۸ تا ۸۳ این سوره نیز به موضوع معاد پرداخته است (شکل ۲).
معاد (۱۲)		
رسالت (۲۱-۱۳)	} رکوع دوم آیات ۱۳-۳۲ موضوع اصلی: رسالت	تحلیلی بر موضوع خودمانایی در سوره یس از آنچه درباره موضوع خودمانایی در این سوره گذشت می‌توان نتایج زیر را استخراج نمود:
توحید (۲۸-۲۲)		چنین به نظر می‌رسد که بر تمام سوره و بخش‌های مختلف آن نظمی در ارائه موضوعات نهفته است و موضوعات رسالت، توحید و معاد به‌صورت کاملاً منسجم و حساب‌شده و با ترتیبی مناسب در این سوره چیده شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که هر یک از رکوعات یا بخش‌های این سوره می‌توانند نماینده و نشانگر کل سوره باشند یعنی همان وحدت و نظمی که بر کل سوره حاکم است بر بخش‌های آن نیز حاکم است. وجود این پدیده در سوره شاید بدان جهت است که ما را به این مطلب رهنمون کند که انکار و تکذیب یکی از این بخش‌ها، انکار و تکذیب تمام سوره است؛ یعنی باید تمام سوره را پذیرفت، از طرف دیگر درباره پذیرش محتوای این سوره نیز به همین صورت است، انکار اصل معاد، انکار توحید و رسالت است و انکار دو
معاد (۳۲-۲۹)		
توحید (۴۴-۳۳)	} رکوع سوم آیات ۳۳-۵۰ موضوع اصلی: توحید	
رسالت (۴۷-۴۵)		
معاد (۵۰-۴۸)		
معاد (۵۲-۵۱)	} رکوع چهارم آیات ۵۱-۶۷ موضوع اصلی: معاد	
رسالت (۵۲)		
توحید (۶۱-۶۰)		
رسالت (۷۰-۶۸)	} رکوع پنجم آیات ۶۸-۸۳ موضوع: جمع بندی و نتیجه گیری	
توحید (۷۷-۷۱)		
معاد (۸۳-۷۸)		

شکل ۲. خودمانایی رکوعات (واحد‌های موضوعی) سوره یس.

تبيين نمود (شکل ۳).^۷



شکل ۳. نحوه ارتباط سه مفهوم توحید، معاد و رسالت در سوره یس.

چیش عناصر در سوره یاسین

یکی دیگر از ویژگی‌های دستگاه‌هایی که دارای نظم غایی هستند، خاصیتی است که به آن جاذبه‌های غریب می‌گویند؛ یعنی جنبه‌هایی از نظم که بسیار جالب و حیرت‌انگیز می‌باشند. در این قسمت‌ها به سه ویژگی این سوره که می‌تواند نمونه‌ای از جاذبه‌های غریب باشد اشاره می‌شود.

چیش و کاربرد واژه «یرجعون»

این واژه در آیات زیر در سوره یس آمده است:

آیه ۲۲: وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

آیه ۳۱: أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ

موضوع دیگر، انکار موضوعات دیگر را به دنبال دارد. به عبارت دیگر اگر این سه موضوع به‌مثابه سه ضلع یک مثلث باشند، قوام و اساس این مثلث در این است که هر سه ضلع آن در کنار هم باشند، انکار یک ضلع و یا برداشتن یک ضلع کل و اساس را به هم می‌ریزد.

از طرف دیگر با پذیرش یکی از اجزاء سوره، کل سوره پذیرفته می‌شود. پذیرش یکی از اصول سه‌گانه پذیرش بقیه و سایر آن اصول را نیز به همراه دارد. از هر یک از این سه در که وارد شویم، می‌توانیم به کل مجموعه دست‌باییم. رکوع دوم می‌گوید پذیرش رسالت انبیاء همان پذیرش توحید و معاد است رکوع سوم پذیرش توحید را، همان پذیرش رسالت و معاد می‌داند. رکوع چهارم پذیرش معاد را همان پذیرش رسالت انبیاء و توحید می‌داند. نتایجی که پذیرش یا عدم پذیرش یکی از این اصول سه‌گانه به همراه دارد یکسان است، تمام عذاب‌های دنیوی و اخروی که برای نفی یکی از اینها آمده است، برای دیگری نیز هست؛ یعنی همان‌گونه که عدم پذیرش توحید سبب عذاب دنیوی و اخروی می‌گردد، عدم پذیرش دو رکن دیگر نیز وضعیتی مشابه دارد. از طرف دیگر بهشت برین و نعمت‌های دنیوی و اخروی مترتب بر توحید، رسالت و معاد نیز یکسان است؛ یعنی پذیرش توحید یا معاد و یا رسالت انبیاء راه ورود به بهشت برین است.

از طرف دیگر توضیح، تبیین و تفسیر یکی از این اصول سه‌گانه، بدون توجه و در نظر گرفتن دو اصل دیگر امکان‌پذیر نیست؛ یعنی نمی‌توان توحید را بدون رسالت و یا معاد به‌درستی تبیین نمود و یا معاد را نمی‌توان بدون درک و فهم و تبیین صحیح رسالت و توحید فهم نمود. شاید بتوان مطلب را به صورت زیر

۷. برای آشنایی با کوششی دیگر که به تبیین نظمی آشوبناک در سوره بقره - البته با روشی غیر از روش مقاله حاضر - پرداخته است (El-Tahry, 2010: iii).

إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ.

والآخِر؛ یعنی اول و آخر همه چیز به سمت خداست. به عبارت دیگر اول همان آخر است و آخر همان اول.

آیه ۵۰: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَهُ وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ.

آیه ۶۷: وَ لَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ.

چینش و کاربرد عبارت «صَيِّحَه وَاحِدَه»
دومین موردی که می‌تواند به عنوان جاذبه غریب برای سوره یس مطرح باشد کاربرد عبارت «صیحه واحده» است. این ترکیب سه بار در آیات زیر آمده است:

آیه ۸۳: فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

از نوع چینش آیات مربوط به واژه یرجعون در این سوره نکات زیر را می‌توان دید.

آیه ۲۹: إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيِّحَه وَاحِدَه فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ.

۱. این واژه در این سوره، ۵ بار آمده و این تعداد با تعداد رکوعات این سوره یکسان است.

آیه ۴۹: مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيِّحَه وَاحِدَه تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ.

۲. به جز رکوع اول، این واژه در پایان ۴ رکوع دیگر سوره قرار گرفته است: آیات ۳۱، ۵۰، ۶۷ و ۸۳.

آیه ۵۳: إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيِّحَه وَاحِدَه فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ.

به عبارت دیگر پایان چهار رکوع این سوره با مشتقات رجع است.

در این سوره سه بار صیحه واحده آمده است که هر یک کاربردی ویژه دارد و به نظر می‌رسد ترتیبی منظم را داراست. اولین آن صیحه واحده (صدایی ناگهانی) است که باعث از بین رفتن قوم «اصحاب القریه» گردیده، به عنوان عذاب دنیوی یک قوم کاربرد یافته است. دومین کاربرد آن صدای مهیب و ناگهانی «صیحه واحده» ای است که باعث می‌شود تا جهان طبیعت پایان یابد و عالم مهیای برپایی عالمی دیگر گردد. سومین صدای مهیب و ناگهانی این سوره، «صیحه واحده» ای

۳. به جز اولین و آخرین مورد ورود این واژه در سوره که به صورت مثبت است (الیه ترجعون) بقیه موارد - که به غیر خداوند اشاره دارد - همگی به صورت منفی هستند (بازگشتی به سوی غیر خدا در کار نیست) و شاید چنین چینشی بدان معناست که برگشت فقط به سمت خداست و برگشت به سوی غیر خدا نیست.

۴. اولین و آخرین مورد ورود این واژه در سوره بازگشت به خداست (الیه ترجعون) که شاید تصویری دیگر از صفت اول و آخر خداوند است (هوالاول

الف: از نظر صرفی - نحوی باید گفت دو کاربرد اول این واژه در جمله با ضمیر متکلم مع الغیر است (آیات ۱۲ و ۱۷). کاربرد سوم با ضمیر متکلم وحده است (آیه ۲۴). کاربرد چهارم و پنجم در جمله‌ای با ضمائر جمع مذکر مخاطب است (آیات ۴۷ و ۶۰)؛ و کاربرد ششم و هفتم به صورت مفرد مذکر غایب است (آیات ۶۹ و ۷۷)؛ یعنی سیر جمله‌ها از متکلم به مخاطب و سپس غایب است.

ب: درباره جایگاه و نوع چینش این واژه در سوره باید گفت سه مورد اول کاربرد این واژه در سوره در ۲۴ آیه اول قرار گرفته است (آیات ۱-۲۴)؛ و سه مورد آخر کاربرد این واژه در سوره نیز در ۲۴ آیه آخر این سوره به کار رفته است (آیات ۶۰-۸۳)؛ و چهارمین کاربرد این واژه در آیه ۴۷ است که حدوداً در بخش اواسط قرار گرفته است.

ج: از نظر موضوع آیه و سیاق آن باید گفت ردیف اول (آیه ۱۲) در موضوع معاد است و حیات مجدد مردگان است. دومین کاربرد این واژه (آیه ۱۷) در سیاق موضوع رسالت انبیاء است. سومین کاربرد این واژه (آیه ۲۴) با توجه به آیه قبل در سیاق موضوع توحید است. چهارمین کاربرد این واژه در سیاق عملکرد کفار در برابر دستور خداوند است. پنجمین کاربرد (آیه ۶۰) در سیاق موضوع توحید است. ششمین کاربرد (آیه ۶۹) در سیاق موضوع رسالت است. هفتمین کاربرد (آیه ۷۷) با توجه به

است که باعث می‌شود تا همه در محضر خداوند حاضر گردند و رستاخیز حساب و کتاب آغاز گردد؛ بنابراین ترتیب ورود این صیحه واحده در این سوره به ترتیب پیش از پایان جهان آیه ۲۹ در هنگام پایان جهان (آیه ۴۹) و سوم هنگام رستاخیز و شروع جهانی دیگر است (۵۹).

چینش و کاربرد واژه «مبین» در این سوره

واژه «مبین» هفت بار در سوره مبارکه یس و در آیات زیر آمده است.

۱. إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲).

۲. وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷).

۳. إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴).

۴. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۷).

۵. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰).

۶. وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۶۹).

۷. أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷).

در تحلیل نوع کاربرد این واژه در سوره یس به نکات زیر می‌توان اشاره نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحول در واحد مطالعه نظم از آیات به سوره‌ها و تحول در نوع نظم از ساده به پیچیده و تحول در واحدهای لفظی و معنایی از واژه به پاره متن می‌تواند مطالعه نظم سوره‌های قرآن را متحول نماید. بر اساس این مدل، نظم و نوع چینش آیات و بخش‌ها در سوره یاسین بررسی گردید. مدل بررسی نظم و چینش در این سوره مدل نظریه آشوب یا نظم غایی انتخاب گردید که به شناخت نظم‌های پیچیده می‌پردازد. از طرف دیگر در انتخاب واحدهای معنایی از تقسیم‌بندی «رکوعات قرآنی» بهره گرفته شده است. آنچه در پایان این مطالعه به دست آمد نشان می‌دهد که چینش آیات در سوره یس مبتنی بر یک مدل پیچیده است و ویژگی آن را در سوره می‌توان نشان داد. اول «خودمانایی» در طرح موضوعات است بدین معنی که این سوره دارای ۵ واحد موضوعی «رکوع» است که این رکوعات به طرح سه موضوع توحید، معاد و رسالت می‌پردازند؛ یعنی این سه موضوع در تمام این بخش به نحوی مورد اشاره قرار گرفته است. به عبارت بهتر سوره یس در طرح موضوعات توحید، معاد و رسالت خودماناست و از طرف دیگر نحوه‌ی کاربرد واژه «یرجعون»، عبارت «صیحه واحده» و واژه «مبین» به‌نوعی از مصادیق جاذبه‌های غریب سوره می‌باشند.

آیه بعدازآن در سیاق موضوع معاد است. این موضوعات و این سبک چینش خود حاوی دو مطلب است؛ اول آنکه این مسأله جلوه‌ای دیگر از خودمانایی سوره در طرح موضوعات رسالت، توحید و معاد است؛ یعنی الگوی حاکم بر کل سوره بر چینش واژه مبین در این سوره نیز حاکم است. دوم آنکه این کاربردهای ۷ گانه واژه مبین در این سوره به‌نوعی در قالب لف و نشر قرار گرفته‌اند. به این صورت که موضوع سه آیه اول که در آنها واژه مبین آمده است به ترتیب عبارت‌اند از: معاد، رسالت و توحید. آیه چهارم موضوعی مجزا دارد و پس از آن، موضوع سه آیه دوم که در آنها واژه مبین آمده است به ترتیب عبارت‌اند از: توحید، رسالت و معاد؛ یعنی کاربرد اول با کاربرد آخر قرینه است و کاربرد دوم با کاربرد قبل از آخر و کاربرد سوم با کاربرد سوم از آخر و در این میان آیه ۴۷ این سوره که تقریباً در اواسط سوره نیز قرار گرفته به‌مانند حدفاصل بین این دو بخش قرار گرفته است؛ یعنی لف و نشری سه‌گانه بر سوره استوار است.^۸

۸. وجود چنین سبکی در سوره تاییدی بر الگوی جدیدی است که محققان و پژوهشگران نظریه تحلیلی بلاغی با عنوان ترکیب دایره‌ای یا حلقوی (ring structure (composition) (concentric structure) ABC/x/CBA به آن اشاره نموده‌اند (برای آشنایی بیشتر با این رویکرد؛ شاکر، ۱۳۹۴: ۱۲).

- منابع
- سلوی محمد العوی (۱۳۹۲). «مطالعه ساختار قرآن کریم
- بقادر، عبدالقادر (۲۰۱۱). *مصطلح النظم فی النقد العربی القديم*. جامعه قاصدی مریاح - ورقله - الملتنقی الدولي الأول فی المصطلح النقدي یومی ۹ و ۱۰ مارس. ۱۵-۳.
- حری، ابوالفضل (۱۳۹۰). «درباره کتاب انسجام در قرآن؛ مطالعه مفهوم نظم در تدبر در قرآن اثر اصلاحی». سراسر اثر. کتاب ماه دین. شماره ۱۶۳. ۵۱-۵۹.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۹). *نظم عددی در قرآن*. نشست علمی. یکشنبه ۵/۱۰/۸۹ دانشگاه مفید.
- ذوقی، امیر (۱۳۹۲). «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن». *مطالعات قرآن و حدیث*. سال ششم. شماره دوم. بهار و تابستان ۱۳۹۲. پیاپی ۱۲. ۱۵۱-۱۷۵.
- رایبسون، نیل (۱۳۹۱). «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده». ترجمه محمدکاظم شاکر. انسیه عسگری. *پژوهش‌های قرآنی*. سال ۱۸. شماره ۱. پیاپی ۶۹. بهار ۹۱. ۱۵۶-۱۹۰.
- رجبی قدسی، محسن؛ غفاری، مهدی؛ مرادی، حسین (۱۳۹۱). *آموزش قرآن در سیره نبوی*. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- شاکر، محمدکاظم؛ مکوند، محمود (۱۳۹۴). «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپیرس». *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*. سال بیستم. شماره ۳. پیاپی ۷۶. ۴-۳۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۴). *سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)*. قم: انتشارات نصاب.
- مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۸۵). *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*. بی‌جا: انتشارات قلم مهر.
- مشیری، سعید (۱۳۸۱). «مروری بر نظریه آشوب و کاربردهای آن در اقتصاد». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. شماره ۱۲. صص ۲۹-۷۱.
- میر، مستنصیر (۱۳۸۷). *ادبیات قرآن*. مترجم

- El-Awa, S. M. S. (2005). *Textual Relation in the Quran: Relevance. Coherence and Structure*. London: Routledge.
- El-tahry, nevin reda (2010). *Textual Integrity and Coherence in the Qur'an: Repetition and narrative Structure in Surat al-Baqara*. A Ph.D thesis. Department of Near and Middle Eastern Civilizations. University of Toronto.

- محمدحسن محمدی مظفر. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

- نوروزی، علی (۱۳۹۰). *واکاوی نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی*. به کوشش دکتر محمود فتوحی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران. تهران: خانه کتاب.

